

نظریه زمان و آینده پژوهی براساس نظریه فهم و درک

محمدرضا حمیدی زاده *

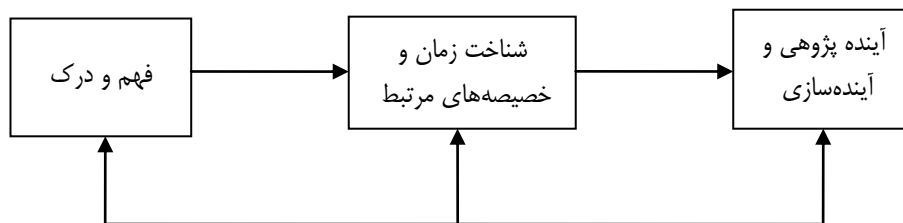
چکیده

هدف این مقاله پایه‌ریزی مبانی و اصول نظریه آینده پژوهشی دانش بنیان براساس الگوی نظریه‌پردازی درباره بنیان‌های فهم، درک و زمان است. رویکرد نوشتن مقاله، توصیفی استدلالی، بدیهه‌گرایی و علت‌یابی است، لذا با تبیین گزاره فهم و درک، آن را زیربنای پیشبرد تمام امور معرفی کرده سپس مولفه زمان را به صورت یک پدیده اصلی و مستقل با چند قضیه معرفی کرده؛ سپس، هدف، جوهره، رسالت، نقش، سازوکار و رفتار زمان تبیین می‌شود. پس از این نظریه، اصول موضوعه و فنون آینده پژوهی به همراه پیش فرض‌ها و رویکردهای آینده پژوهی، آموزه‌های کلیدی و ذهن‌های چندگانه، تشریح می‌شود. در نهایت، این نتایج به دست می‌آید اگر فهم و درک به خوبی شناخته و معماری شود می‌توان آن را مدیریت کرد. با سازوکار فهم و درک درست می‌توان پدیده حیات، مرکب و شاهراه زمان را شناخت، نقش و سازوکارهای آن را تدوین و مورد بهره‌گیری قرار داد. آنگاه ساختمان آینده را از درون زمان بیرون آورد، آینده پژوهی اگر چه شرح و توصیفی از جلوه‌های زمان‌های بالقوه با خصیصه‌های مورد انتظار است اما روشی نظام‌مند نیاز دارد تا آن را بر پایه‌های راهبرد و بزرگراه‌های زمان پیش‌نگر با مبانی فکری و اعتقادی، شایستگی، توأسی به حق و شکیبایی، صبوری و استقامت جستجو، طراحی، تعبیه و تحقق بخشید.

کلید واژه‌ها: تعامل سه جانبه؛ بار معنایی و سطح تحقق پذیری؛ دامنه آگاهی؛ آموزه‌های ذهنی؛ ذهن‌های آینده‌گرا؛ شبکه تحولات؛ الگوی فزآ.

مقدمه

اساس نوشتارهای این مقاله، نظریه پردازی است. نظریه، گزاره‌ای تعریف می‌شود که توانمندی تبیین پدیده، پیش‌بینی حالات و کنترل اعمال و رفتار آن را دارد. مطرح کردن مفاهیم و ایده‌ها در چارچوب نظریه و بسط ویژگی‌ها و سازوکارهای مرتبط هر نظریه، از اهداف مقاله است. اگر چه نمی‌توان پیشینه یکپارچه‌ای را در تعامل این سه نظریه یافت اما هر یک از مباحث نظریه، پیشینه مستقلی دارند، لیکن درباره زمان کمتر می‌توان به مستندات صاحب‌نظران دست یافت. به هر حال، در این مقاله، سه موضوع: فهم و درک، زمان و آینده پژوهی به صورت علی در تعامل با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرند. مسئله اصلی مورد بحث، نحوه شکل دهی آینده براساس زیربناهای سازنده آن یعنی فهم و درک خوب و زمان‌شناسی است. بنابراین، برای نیل به نقشه ساختمان آینده پژوهی، ابتدا باید با نظریه فهم و درک و سپس با نظریه زمان آشنا شد. زمان‌شناسی و استخراج آینده از درون زمان‌های گذشته و حال، سطح بالایی از توانمندی فهم و درک مناسب و مستدل می‌خواهد، هر میزان مهارت و توانمندی‌های فهم و درک صحیح بالا رود، آینده‌سازی هموارتر می‌شود. تعامل سه نظریه این مقاله در شکل ۱، ارائه شده است. مباحث پایه‌ای مقاله نیز تشریح این نظریه‌ها و تبیین خصیصه‌های مرتبط با آنها بر پایه رویکرد کشف، طراحی و توصیف است.



شکل ۱. الگوی تعاملی نظریه‌های فهم و درک، زمان‌شناسی و آینده‌گرایی

اگر چه آینده پژوهی صرفاً یک مفهوم با بار معنایی و سطح تحقق پذیری است لیکن راهبردی را نمایان می‌سازد که بر پایه میزان شناخت و تحلیل از زمان قرار دارد. شناخت بر پایه سطح تفکر و یادگیری بروز می‌کند و حاصل فرایندهای داخل ذهن و ادراک قلبی است که برحسب سطح هوش اشخاص تبیین می‌شود و ممکن است در رفتارها نمود می‌یابد و عملکردهای آتی را شکل دهد. عملیات ذهن و الهامات قلبی، انرژی‌ایی تولید می‌کند که با مشاهده و احساس، ادراک و تحلیل، جهت‌یابی می‌کند. ساختارگرایی در زمان‌شناختی، نگرش فکری ضابطه‌مند را شکل

می‌دهد. حرکت در زمان نیازمند شناخت فرایند ساختاری حرکت و زندگی است که با تصورگرایی و تصویرسازی آینده، راه آینده را ترسیم می‌کند. لذا، زمان، ساختار و سازوکارهایی از فهم و درک را طلب می‌کند که تصویرپرداز است و اذهان و خطوط فکری اشخاص را می‌سازد. یادگیری و کسب معرفت از فهم و درک، قدرت تصور آینده مطلوب و مورد انتظار شخص را ارتقا می‌بخشد. بنابراین، از اهداف مقاله می‌توان ارائه راهکارهای ارتقای مهارت تصور آینده و مشارکت در میزان تحقق پذیری آن را هم ذکر کرد.

تبیین موضوع و مسئله تحقیق

اگر چه پیامد بسیاری از تصمیم‌هایی که در زمان گذشته و حال اخذ می‌شوند در آینده نزدیک و دور بروز می‌کنند و شکل زندگی آینده را می‌سازند اما جستجوی آینده‌های مورد انتظار می‌تواند مسیر تحقق پیامدهای مذکور را تغییر دهد و آنچه را که نیت‌ها و اراده‌ها خواستار آن است با توأسی به حق و شکیبایی، صبوری و استقامت برای خود، خانواده، سازمان و جامعه تحقق بخشد، اراده انسان‌ها به حدی است که با توسل به عملگرایی و خارق‌العاده بودن توانایی عینیت بخشیدن به نقشه‌های ذهن و الهامات قلبی را دارد. تصور خواسته‌ها در قالب کلمه‌ها، تولید افکار و تأمل بر آنها و مرور زمان‌دارشان، ابزار تحقق آینده مورد انتظار است. ذکر خواسته در زمان حال می‌تواند در صورت برنامه‌ریزی و فراهم کردن منابع و شرایط مرتبط، سطح توانسته‌ها و دانسته‌ها را تغییر و ارتقا بخشد. آینده چیزی جز عملکردها نیست این عملکردها، همان اهدافی هستند که آشکار یا پنهان، خواسته یا ناخواسته در چارچوب امیدها و ناامیدی‌ها، باورها، اعتقادات و کارها تحقق می‌یابند. بنابراین، بهترین راه پیش‌بینی آینده، طراحی و ایجاد آن است. ساختن آینده را بهتر است با گزینش رویدادهای محتمل دنبال کرد. از اینرو، باید بتوان با واگذاری علایق نزدیک، به منافع دور و دیر پا دست یافت تا راه پیروزی را با دوراندیشی، بررسی نتایج و در طلب مطلوب‌ها بودن هموار کرد و بر این نکته واقف بود که اندیشه و تفکر، آیینه روشن‌گر راه منتخب است. چشم‌هایی که آینده را می‌بیند و هوشی که آن را درک می‌کند می‌داند در پی چیست لذا در پی مواردی است که پیشاپیش در ذهن و فکر خود مرور کرده است. اگر به آنچه که درباره آینده خود اعتقاد پیدا می‌کنید پایبند باشید تا حدی آنچه را که در آینده رخ خواهد داد تعیین کرده‌اید. دانسته‌ها واقعیت‌هایی است که برای هر کس و در هر جا فقط در برهه‌ای از زمان صدق می‌کند و چه بسا در زمانی دیگر مصداق نداشته باشد. اگر واقعیت را فقط در چشمان خود می‌بینید کاری خطرناک انجام داده‌اید زیرا با پذیرش آن واقعیت، امکان دیدن و شنود سایر ایده‌ها و پرورش دیگر اندیشه‌ها و تحقق واقعیت‌های متفاوت را از خود سلب کرده‌اید. تغذیه منابع فکری نیازمند اطلاعات و دانش است. اطلاعات را نباید خود فکر و دانش در نظر گرفت.

آن دو، غذای روح و تفکراند. البته همواره باید فکر کرد تا ذهن خود را برای دانستن چیزهایی که نمی‌دانیم آماده و مساعد نگه‌داشت. بنابراین، چارچوب و مبنای اکثر ایده‌های جدید از فرض کردن، افزودن، ترکیب یا اصلاح ایده‌های قدیمی و تصورات نو شکل می‌گیرد. آگاهی از نحوه دانا، هوشمند و سعادتمند شدن، سازوکارهای خاصی را در بطن فهم، درک و شناخت عمیق رویکردهای زمان جستجو می‌کند. البته پایبندی به اهداف لحظه‌ای و کوتاه‌مدت، چشم بصیرت انسان را کور می‌کند. انسان هدف پرست، محیط حال اطراف خود را به خوبی نمی‌بیند و به شخصی متعصب و تک بعدی مبدل می‌شود. فقط نباید هدف خود را باور داشت و وجود دیگر هدف‌ها را منکر شد. در این وضعیت فرد از دیدن تغییرات و تحولات محیط عاجز شده و منسوخ شدن گذشته را درک نمی‌کند. باید از این دام، رها شد. ضروری است هدفهای کوتاه‌مدت و بلندمدت را از هم تفکیک کرد و آنها را همانند فرضیه‌ها پنداشت. البته خواسته‌ها حکم دیوارهای سستی را دارند که هر آن با تغییر شرایط و امکانات احتمال فرو ریختن‌شان وجود دارد. با گذر زمان و سیر ادوار سنی یک خواسته و باور، جلوه‌های اولیه خود را از دست می‌دهد. اهداف، ابزاری تلقی می‌شوند که راهنمای راه می‌باشند. بنابراین، مسایل این نوشتار، سؤالات زیر است که یافتن پاسخ برای آنها، هدف این تحقیق را شکل می‌دهد.

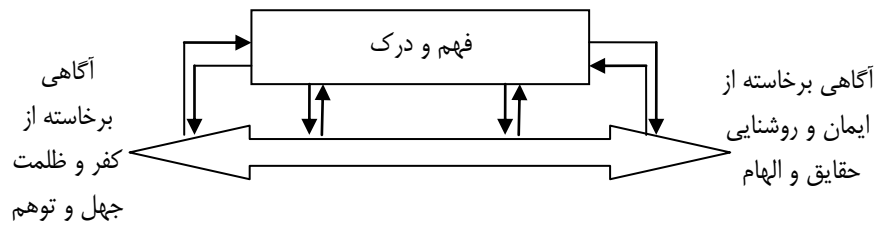
- فهم و درک چیست و چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟
- چه سازوکارهایی را می‌توان در فهم و درک یافت که ساختار آن را شکل می‌دهد؟
- راه ارتقای سطح فهم و درک چیست؟
- زمان چیست و چه ساختار، سازوکار، جوهره و خصیصه‌هایی دارد؟
- چه ارتباطی میان فهم و درک و زمان‌شناختی وجود دارد؟
- آینده پژوهی چه بستر و سازوکاری دارد؟
- از چه اصول و فنونی می‌توان برای آینده پژوهی استفاده به عمل آورد؟
- رویکردها و پیش فرض‌های آینده پژوهی چیست؟
- الگوی آینده‌گرایی چه گام‌هایی با چه ویژگی‌ها دارد؟
- از چه آموزه‌هایی می‌توان در آینده پژوهی بهره‌گیری کرد؟
- ذهن و هوش چیستند و چه ارتباطی با هم دارند؟
- ذهن و هوش چه تنوع و طبقه‌بندی‌هایی دارند؟
- از چه راهکاری می‌توان برای پیوستگی عناصر و یافته‌های سؤالات پیشین برای آینده پژوهی بهره‌گیری کرد؟

برای پاسخ‌گویی به سؤالات سیزده‌گانه تحقیق، از روش تبیین و نظریه‌پردازی استفاده می‌شود. در واقع، مباحث این مقاله، در چارچوب سه نظریه فهم و درک، نظریه زمان و نظریه آینده پژوهی

توصیف و تحلیل می‌شوند. داده‌های مقاله شواهد ادراکی است که نویسنده در طول بیش از سه دهه تدریس، تحقیق و زندگی شغلی و اجتماعی آنها را کسب کرده و در تجربه و اندیشه خود به غربال‌گری آنها پرداخته است و به نتایجی دست یافته است که پایه‌ریزی سه فرضیه مطرح شده، گردیده است.

نظریه فهم و درک

فهمیدن که دریافت، تعبیر، تحلیل و اخذ نتیجه از پیام است، سطح و مرتبه دارد. هر سطح از فهمیدن، انرژی‌ایی از آگاهی و شناخت طلب می‌کند. این انرژی، دستاورد تفکر است که حاوی امواج فکری است. هر موج فکری، سطح و جنبه‌ای از حقیقت و واقعیت را به کار می‌گیرد و ثمره آن راستی و روشنایی است. ساختار آگاهی و حقیقت بینی را تعدد، تنوع، تناسب و هماهنگی امواج فهمیدن، شکل می‌دهد. بینایی مغزی و قلبی و دیدن جلوه‌ای از مرتبه فهم، درک و ایمان به حقیقت است. بنابراین، هر پیام با مرتبه و نمایی از آگاهی برخاسته از حقیقت و واقعیت؛ سطح، ریتم و طول موج فکری، بار معنایی و شناخت ایجاد می‌کند. این بار معنایی جلوه‌ای از بلوغ فکر نهفته در آن است. پیام و فکر، سطحی از نور ویژه مرتبط با ماهیت آن، با رایحه خاص برای صاحبش به همراه می‌آورد. اگر این خصیصه با سطح، ریتم و طول موج ذکاوت دریافت کننده پیام همخوان و هماهنگ شود، تطابق می‌یابد؛ لذا سطح فهم و درک فرستنده به گیرنده آن منتقل می‌شود. فهم، درک و آگاه شدن خوب و به شناخت رسیدن همراه با رفتار و عمل (مطابق راهنمایی‌های برخاسته از آن)، اقبال و سعادت است. پایه این نعمت (خصیصه)، پاک بودن دل از امراض روحی و اخلاقی است. سطح فهم، درک و آگاهی با کلمات بیان می‌شوند و کلمات نماینده آن تلقی می‌شود. این کلمات انرژی، بار تعبیری و واقعیت‌سازی دارند و شکل دهنده رفتارها هستند، حیات و زندگی ایجاد می‌کنند. این حیات و زندگی نشانگر شرایط، زمینه‌ها و اقدامات است. برای ارتقای این سطح از زندگی باید زمینه‌ها، شرایط و الزاماتش را در ابعاد شخصیتی فرد و محیط آن ایجاد کرد. بنابراین، فهم و درک (فهمیدن)، شهد و شربت اندیشیدن است که بر اثر برقراری ارتباط و به هم پیوستن تصورها، استنباط‌ها، تحلیل و نتایج تازه با تصورها، استنباط‌ها، تحلیل و نتایج ادراک شده قبلی به وجود می‌آید، این پیوند نوعی معماری است. در این معماری آرایش جدید از طریق یکپارچه ساختن فراهم می‌شود که ارزشی بالاتر از ارزش قبلی فهمیدن به وجود می‌آورد. پیوند مذکور به هم افزودن و در کنار هم چیدن نیست، در کار فهمیدن، سازوکار ذهن از طریق دوباره سازمان دادن با عناصر جدید و به صورت کل یگانه در آوردن عمل می‌کند. به هر حال، راه ارتقای سطح و مرتبه فهم و درک رایج افراد، رسیدن به فهم و درک الهی است. شکل ۲، دامنه آگاهی را بر پایه فهم و درک نشان می‌دهد.



شکل ۲. فهم و درک بر پایه دامنه آگاهی

نظریه زمان

زمان نیز مانند دیگر موجودات هستی از آفرینش‌های خداوند تبارک و تعالی است که همواره حرکتی به جلو (آینده) دارد، زمان اهمیت‌های متنوع با نقش‌های سلسله مراتب دار و طبقه‌بندی شده، سرعت و شتاب، افق و طول‌های متنوع برای پدیده‌ها دارد. زمان بستر تولد، رشد، تکوین و اضمحلال تمام پدیده‌هاست. هر پدیده‌ای خصیصه‌های زمانی خاص خود را دارد. اگر چه زمان هر پدیده بر مرکب زمان سوار است لیکن در شاهراه اصلی زمان شکل می‌گیرد اما براساس تقدیر هر پدیده از اراده خداوند با ویژگی‌های زیر نشأت می‌گیرد.

(۱) **مرتبه.** زمان دارای مرتبه‌های یک، دو، سه و نظیر اینها است. هر چه درجه مرتبه زمان بالاتر رود بر پیچیدگی و تنوع رفتار زمانی پدیده افزوده می‌شود. لذا نوسانات زمانی هر پدیده دامنه‌ای از سطح ساده و خطی تا سطح پیچیده و غیرخطی دارد.

(۲) **طبقه.** زمان طبقه‌بندی دارد. طبقه جلوه دوره‌های مختلف حیات هر پدیده است مانند انسان که دوره جنینی، کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و مانند اینها دارد، البته دوره‌های فکری انسان یا پدیده‌ها نیز طبقه‌بندی خاص خود را دارد.

(۳) **سلسله مراتب.** زمان در هر طبقه دارای سلسله مراتب عمودی و طیف افقی است. مانند ساعت روز، هفته، ماه، سال و نظیر اینها، ساعت به اجزای دقیقه، ثانیه و نظیر اینها تقسیم می‌شود.

(۴) **سرعت.** زمان با حرکت رو به جلو سرعت دارد، این سرعت میزان حرکت پدیده را شکل می‌دهد. ترکیب پدیده‌ها براساس سرعت‌های مختلف شکل می‌گیرد.

(۵) **شتاب.** سرعت زمان دارای سرعت تغییر و تحول ویژه است؛ شتاب میزان تغییر سرعت (تندی یا کندی آن) را نشان می‌دهد.

(۶) **افق‌های کوتاه و بلندمدت.** دامنه، سطح زمان و طول جهت زمان را افق گفته که هر پدیده‌ای با وسعت و جهت رو به جلو برای خود، افق با میزان کشش پذیر خاص به وجود

می آورد.

- ۷) طول.** طول عمر زمانی هر پدیده، میزان ماندگاری آن را نشان می دهد. تنوع طول متناسب با وضعیت بقایی هر پدیده است؛
- ۸) کمیت و کیفیت.** زمان واحدهای سنجش و اندازه گیری دارد. با این واحدها می توان سنگینی یا سبکی و نیز کیفیت زمان را مشخص ساخت. از اینرو، زمان هر پدیده، دارای لایه های با کیفیت زندگی در آن لایه ها است؛
- ۹) حرکت دوار.** زمان در مسیر حرکت به آینده، حرکت دورانی (چرخشی) خود را از شرایط آن پدیده اخذ می کند، حرکت دوار، نمایشی از سرنوشت پدیده ها و تکرار وقایع در شرایط جدید آتی است؛
- ۱۰) نیروی پیش برنده و باز دارنده.** زمان دارای عناصر مثبت و منفی است که از رقم خوردن تقدیر مرحله ای هر پدیده شکل می گیرد لذا زمان حرکت پدیده را به سمت سپری کردن طول عمر آن به صورت روان و تسهیل کنندگی، پیش برنده کرده یا آن را سخت و همراه با مشکلات، بازدارنده از حرکت به سوی نمو و تکامل می نماید؛
- ۱۱) شرایط و وضعیت مرتبط.** زمان جلوه ای از شرایط عمومی و اختصاصی هر پدیده در وضعیت هایی است که برای آن به وجود می آورد؛
- ۱۲) معیار سنجش و آزمون حالات.** زمان قدرت اندازه گیری کیفیت، ابعاد و حالات هر پدیده و صحنه گردان آزمودن پدیده ها است؛
- ۱۳) شعاع بازتاب نیت، گفتار، رفتار و عملکرد.** زمان نمایش گر کیفیت حالات نیت، نوع رفتارها و عملکرد برخاسته از نیت است؛
- ۱۴) بستر روشن گر علل و آثار (علت ها و معلول ها).** زمان با گذر خود علل بروز وقایع و نشانگر آثاری است که از عملکردها نمایان می شود؛
- ۱۵) ماهیت و تمایل.** پایداری و بقای زمان بر نگهداری حق، حقیقت، طرفداری از آن و آشکار ساختن حقایق موجودات و آثار ناشی از آنها است؛
- ۱۶) آشکار کنندگی و پنهان گری.** زمان، قدرت نمایش ظاهر و باطن (درون) و تطابق این دو با یکدیگر را برای پدیده ها دارد. البته براساس نیت پدیده ها گاهی هم عملکردها را کتمان و آن ها را محو می نماید؛
- ۱۷) حافظه.** حافظه زمان به قدمت تمام تاریخ عمودی و افقی حیات با خصوصیت به یادآوری و پرورش برای هر پدیده است؛
- ۱۸) جلوه نقش بند هستی و وجود.** حیات در زمان نمایان می شود. زمان صحنه ای برای جلوه گری پدیده ها و نقش هایی است که آنها می توانند در طول عمر خود ایفا کنند؛

- (۱۹) به وجود آورنده. زمان، امکان ایجاد حیات، وقوع و بروز شرایط جدید، نقش، ساختار، سازوکار و عملکرد را به پدیده‌ها می‌دهد؛
- (۲۰) نشانگر راه. زمان راهی را که هر پدیده انتخاب کرده نشان می‌دهد؛
- (۲۱) بلوغ و اضمحلال. زمان جلوه‌ای از سطح و کیفیت بلوغ یا عقب‌ماندگی پدیده از رشد و نمو است؛
- (۲۲) میزان عمر. زمان نشانگر اندازه عمری است که هر پدیده طی کرده و نیز کیفیت، سبکی و سنگینی اندازه عمر را نشان می‌دهد؛
- (۲۳) نشانگر فاصله‌ها. زمان فواصل پدیده‌ها را بر پایه سطح تکاملی آنها نشان می‌دهد؛
- (۲۴) مقیاس حرکت. از آنجا که زمان جلوه حرکت پدیده‌ها در بستر طول عمرشان است پیمانه سنجش، اندازه‌گیری و شمارش سطح، کیفیت رفتار و عملکرد پدیده‌ها تلقی می‌شود؛
- (۲۵) فرصت و عیار خلوص. زمان فرصت آفرین است و با ایجاد فرصت، عیار خلوص نیت‌ها، رفتار و عملکرد پدیده‌ها را نشان می‌دهد. نیت، موتور محرکه درونی است که سازنده رفتار است و عملکرد حاصل پیامدهای آن نیروی محرکه تلقی می‌شود.
- (۲۶) مهلت و نوبت دادن. زمان برای بروز نیت‌ها، نقش، رفتار و عملکرد پدیده‌ها، مهلت خاصی به آنها می‌دهد. در واقع، زمان به نوبت درصدد برمی‌آید که یکایک پدیده‌ها را محک بزند و میزان خلوصشان را به آنها و نیز دیگران نشان دهد؛
- (۲۷) استمرار عمر. زمان با حرکت‌های جوهری خود اجازه بسط طول عمر یا کوتاه شدن آن را می‌دهد؛
- (۲۸) مرکب. زمان، مرکب حیات، تغییرات و تحولات است؛
- (۲۹) عصر و دوره. زمان هر پدیده عصاره شرایط، وقایع و تحول آن پدیده است. عصر و دوره نشانگر جمع شدن، پیچیده و فشردن شرایط، وقایع و تحول افراد، جوامع و علوم آن و نیز حاوی درس‌های عبرت‌آموز و حوادث تکان‌دهنده و بیدارکننده، نمایشگر سرنوشت گذشتگان و موجودات است؛
- (۳۰) مقیاس عقل. زمان، جلوه کیفیت عقل هر پدیده و واحد سنجش حیات و حالات زندگی آن بر پایه میزان عقل پدیده است.
- از این رو، زمان دارای طول و عرض‌های بسیار متنوع است و زندگی هر پدیده‌ای در طول و عرض زمانی مختص خود جریان می‌یابد. هنگام وقوع هر واقعه‌ای زمان، برای آن سه حالت مقدم (راهنما، پیشرو، جلورو)، همزمانی و وقفه‌دار (تأخیری) به وجود می‌آورد. الگوی رفتار تعامل خصیصه‌های زمان در شکل ۳، ارائه شده است.

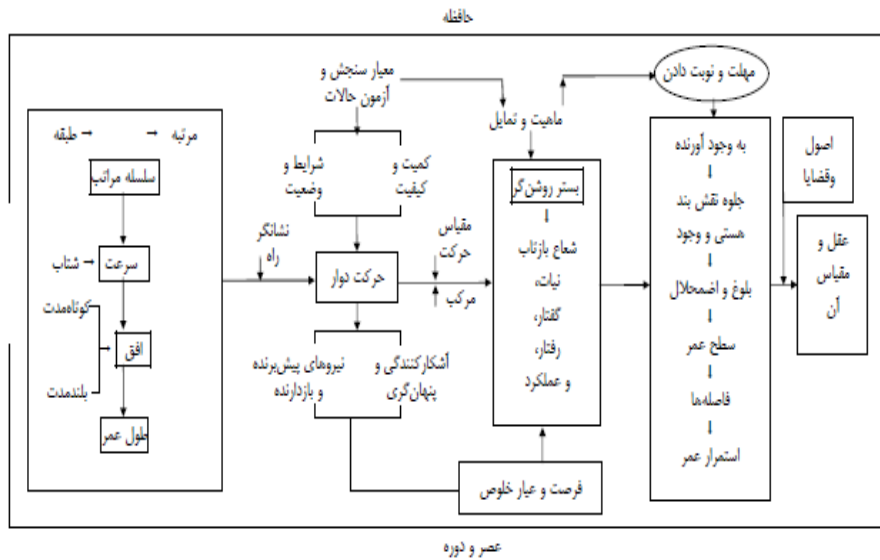
- حال، می‌توان قضایای زیر را برای زمان ارائه کرد [۱۰].
- اصل ۱.** شناخت زمان نشانگر آگاهی انسان است؛ بنابراین، آگاه‌ترین اشخاص به روزگار، از حوادث آن تعجب نمی‌کنند.
- اصل ۲.** اشخاصی که زمان خود را بشناسند، آماج شبهه‌ها قرار نمی‌گیرند.
- اصل ۳.** اشخاصی که به زمان اعتماد کنند، به زمین خواهند خورد.
- قضیه ۱-۳.** اشخاصی که به زمانه اعتماد کنند و آن را امین بدانند، زمانه به آنان خیانت خواهد کرد.
- قضیه ۲-۳.** اشخاصی که زمانه را بزرگ شمارند، زمانه آنان را خوار خواهد کرد.
- قضیه ۳-۳.** اشخاصی که بر زمانه بزرگی کنند، زمانه آنان را خوار و حقیر گرداند.
- قضیه ۴-۳.** هر که بر زمانه خشم گیرد، زمانه نیز وی را به خشم آورد.
- قضیه ۵-۳.** اشخاصی که به زمان پناه ببرند، زمانه آنها را به تسلیم وادار کند.
- قضیه ۶-۳.** با تغییر حکومت، زمانه نیز دگرگون می‌شود.
- قضیه ۷-۳.** کسی که خود را صاحب زمان بداند، زمانه به وی خیانت می‌کند.
- قضیه ۸-۳.** کسی که زمانه را ملامت کند، زمانه از او رضایت نطلبد.
- قضیه ۹-۳.** کسی که با زمانه سرگرم شود، زمانه نیز وی را مشغول سازد.
- اصل ۴.** عیب‌جویی از زمانه، عیب‌جویی را به درازا کشد و ستیز با زمانه، خاک مذلت به بار آورد و تسلیم زمانه شدن، از زمانه امان نخواهد داشت.
- قضیه ۱-۴.** اشخاصی که با روزگار به ستیزند، هلاک شوند.
- قضیه ۲-۴.** اشخاصی که زمانه را سرزنش کنند، خود دچار خشم شوند.
- قضیه ۳-۴.** عیب زمانه ناشی از عیوب اشخاص است.

نظریه آینده پژوهی

مطابق شناختی که از فهم، درک و زمان و ویژگی‌های سی‌گانه آن به دست آمد، می‌توان اذعان داشت آینده پژوهی، همان دور اندیشی است. دوراندیشی، زیرکی است. البته دوراندیشی، چراغدان گمانه زنی است. لذا یکی از پیش‌فرض‌های آینده پژوهی، در نظر گرفتن گزینه‌های متعدد برای آینده است. این گزینه‌ها در سه حالت ممکن، محتمل و مرجح معرفی می‌شوند هر چند که پیروزی برای کسب آینده مطلوب، با دور اندیشی و اراده پایدار به دست می‌آید و ریشه دور اندیشی، باز ایستادن در هنگام شبهه است [۱۵ و ۱۱].

آینده‌های ممکن: هر چیزی اعم از خوب یا بد، محتمل یا بعید، می‌تواند در آینده رخ دهد؛ **آینده‌های احتمالی:** حالات متنوع آینده وضعیتی برحسب احتمالات مختلف مبتنی بر استمرار

روندهای کنونی است که در آینده به وقوع خواهد پیوست؛
آینده‌های مرجح: ترجیحات پدیده برای تحقق آینده براساس درجه تعبیرپذیری بار فکری و معنایی کلمات در گفتار و اندیشه‌های وی است، لذا در صدد طلب آن چیزی است که مطلوب‌ترین و مرجح‌ترین رویداد آینده به شمار می‌رود.
نظریه آینده. آینده، حالات متنوعی از زمان حال و گذشته با ترکیبات تازه ای از عناصر، شرایط و اقدامات با ساختاری نو و طرحی علی- معلولی و نیز بر پایه نیت ها، طلبیدن ها، اراده، تصمیم ها و فعالیت ها است که حیاتی بر پایه مبانی فکری و اعتقادی، شایستگی، توانی به حق و شکیبایی، صبوری و استقامت به وجود می آورد.



شکل ۳. الگوی رفتاری تعامل خصیصه‌های زمان

هدف آینده پژوهی، محتمل ساختن آینده‌های مرجح (مطلوب) است. بدین منظور از آنچه که می‌خواهیم در آینده ایجاد کنیم باید تصویری روشن و شفاف در ذهن بر مبنای ارزش‌هایی به وجود آورد که می‌خواهیم بر جوامع آینده حاکم باشند [۲ و ۱۵]. نظر به اینکه آینده هر پدیده‌ای از درون زمان آن پدیده بیرون می‌آید، آینده پژوهی روش مطالعه آینده است. آینده دلخواه به زمان مورد نظر برای آن پدیده وابسته است. آینده پژوهی رویکرد استخراج آینده هر پدیده از درون خصیصه‌های سی گانه زمانی مرتبط با زندگانی آن پدیده است. این رویکرد در حوزه فناوری‌های نرم قرار می‌گیرد و هدف آن نه فقط کشف و شناخت آینده می‌باشد، بلکه معماری و

مهندسی هوشمندانه آینده هم است؛ از اینرو، آینده پژوهی تلاشی نظام‌مند برای نگاه به آینده بلندمدت در هر حوزه‌ای از فعالیت بشر و ترسیم آن است [۱۴]. هدف اصلی آن، شناخت فرصت‌ها، ساختارها، سازوکارها و فرایندهای جدید و تعیین بخش‌هایی است که سرمایه‌گذاری در آنها بازدهی بیشتری به بار آورد. اساساً، آینده پژوهی، مهیا بودن برای آینده و بهره‌گیری از منابع به بهترین وجه در راستای ارزش‌ها و هدفهاست [۸]. از این راه، بهتر می‌توان به سیاست‌گذاری و تدوین راهبرد پرداخت. بنابراین، اشخاص می‌توانند از طریق فرایندهای آینده‌نگاری در طراحی براساس دیدگاه‌های خود سهیم شوند. علاوه بر این، آینده را می‌توان از افق‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، دفاعی، صنعتی و تجاری هم مورد بررسی قرار داد. بنابراین، به تغییر و تحول می‌توان به صورت فرایند توجه کرد. به هر حال، مردم در گذشته فرصت کافی داشته که زندگی خود را براساس عادات‌شان بنا کنند و آسوده خاطر باشند؛ لیکن در زمان حاضر، پدیده «تغییر» معنای بارزتری یافته است زیر علم و فناوری بسیار پیشرفت کرده و زندگی را تحت تأثیر خود قرار داده است. حالا دیگر ثبات تقریباً، پدیده‌ای نادر شده است. موج‌های تغییر یکی پس از دیگری فرا می‌رسند و پدیده‌های گوناگون بدیع به همراه می‌آورد. به هر حال، تغییرات حامل عنصر تازگی و انرژی‌های خاص آن است [۱۲]. فهمیدن تغییرات که جلوه بروز آینده است ضرورت خاص می‌یابد. هر تفسیر نیز دارای سرعت مختص به خود است که آن را شتاب تغییر، تعبیر می‌کنیم. شتاب تغییر یک نیروی مشخص و عینی است که افراد را وادار می‌کند نقش‌های تازه‌ای برعهده گیرند. نقش‌های تازه، جلوه بروز فرصت‌ها است. برای بهره‌گیری از این فرصت‌ها باید تغییر را در جهت مصالح و منافع مورد نظر هدایت کرد [۱۳]. اینجا، پیش‌نگری مطرح می‌شود. ضروری است با پیش‌نگری و استفاده هوشمندانه از دانش آینده پژوهی، این توانمندی و مهارت را کسب کرد که آگاهانه و پیش‌دستانه، موج‌های تغییر و تحول را بر پایه شناخت نیازها و خواسته‌ها، تبیین رفتارها و عملکردها، پیش‌بینی و معماری کرد سپس در آن باره به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی پرداخت [۱].

اصول و فنون آینده پژوهی

این اصول سه‌گانه بشرح زیرند و بر فروضی درباره جهان هستی و نقش انسان استوار هستند.

(۱) ارتباط گذشته و حال. براساس این اصل، جهان هستی یکپارچه است نه آمیخته‌ای از اجزای مستقل و بی‌ارتباط با یکدیگر. حال بر پایه گذشته شکل گرفته است، لذا آینده از درون حال و گذشته بیرون می‌آید. از آنجا که انسان هم مانند تمام کائنات، بخشی از هستی است جهان آینده از درون جهان حال به وجود می‌آید. با نگاه دقیق به رویدادهای جهان در چند سال گذشته می‌توان نکات بسیاری درباره آینده یافت.

(۲) عنصر و عناصر حیاتی. در آینده‌هایی با افق سال نمی‌توان تغییرات عمده‌ای متصور شد. تغییرات عمده در دوره‌های زمانی بیش از پنج سال و کمتر از پنجاه سال به وقوع می‌پیوندد که به احتمال قوی از تصمیم‌گیری‌های امروز نشأت می‌گیرد. به همین دلیل، آینده پژوهی بازه‌های زمانی بین ۵ تا ۵۰ سال دارد لذا برنامه‌ها و اهداف را باید در همین دوره زمانی تعریف کرد. به هر حال، تصمیم‌های امروز، جهان فردا را تشکیل می‌دهد [۹ و ۱۱].

(۳) اهمیت ایده‌ها. آینده را باید کشف و ابداع کرد؛ باید بتوان ایده‌هایی را که نشانگر رویدادهای احتمالی آینده است مطرح ساخت. زیرا تفکر افراد آمیزه‌ای از ادراک گذشته، وضعیت کنونی زندگی و تصویرهای ذهنی از رویدادهای احتمالی آینده است. ایده‌ها از دو عنصر تشکیل می‌شود: (۱) مفاهیم و (۲) نظریه‌ها، مفاهیم، بیانگر نوعی نقشه ذهنی یا تصور از چیزی است در حالی که نظریه از ایجاد رابطه بین دو یا چند مفهوم برای نشان دادن چگونگی هم زیستی و رفتار آنها با یکدیگر صحبت به میان می‌آورد. از اینرو، مفاهیم و نظریه‌ها شاکله‌های درونی و نیز ذهنی نحوه کارکرد پدیده‌ها است که می‌توان به وسیله آن وقایع گذشته را شناخت و رویدادهای آینده را در ذهن خود مجسم کرد. بنابراین، تفکر نشانگر به کارگیری ماهرانه مفاهیم و نظریه‌ها برای ایجاد تدبیر و یافتن راه است. با ایجاد تصور و تخیل خاصی، امکان بروز مفاهیم مختلف به گونه‌ای آزادانه و سیال در ضمیر خودآگاه فرد ظهور می‌کند. شکل‌گیری تصویر آینده در ذهن افراد، نقش اساسی در شکل بخشیدن به آینده ایفا می‌کند [۱۶]. برای دستیابی به ایده‌ها و نظریه‌ها، می‌توان از نتایج تحقیقات، هم اندیشی‌ها و تشکیل اندیشکده‌های کوچک و بزرگ استفاده کرد. فنون آینده پژوهی در جدول ۱، ارائه شده است که دو مورد آخر آن پیشنهادی این مقاله است.

جدول ۱. فنون آینده پژوهی و ویژگی‌های مربوط

ویژگی‌ها	فنون
- پایش مستمر تغییرات جهانی و منطقه‌ای ملی در زمینه‌های متنوع و بر پایه منابع مختلف؛	روش دیده‌بانی
- مطالعه یک روند مشخص به منظور کشف چستی علت‌های بروز و سرعت توسعه و پیامدهای احتمالی آن؛	تحلیل روند
- پایش دقیق روندهای موجود و با اهمیت در یک جامعه، صنعت، یا بخش مشخص؛	پایش روند
- جهت‌یابی روندهای آینده براساس روندهای فعلی و تغییرات آنها؛	برون‌یابی روند
- تجسم و بازنمایی رویدادهای ممکن آینده بر پایه دانسته‌ها و تصورات؛	توسعه و تحلیل
- دریافتن نتایج و پیامدهای احتمالی تصمیم‌های متخذه؛	سناریونویسی
- استفاده از کار گروهی و همفکری و بهره‌گیری از دیدگاه دیگران به ویژه افراد خبره و کارشناسی؛	مشاوره و همفکری

<p>- بازآفرینی رویدادها با رویکرد روش‌های کمی نظیر تحقیق در عملیات، اقتصادسنجی، پویایی‌های سیستم، ریاضیات و مانند اینها؛</p> <p>- بهره‌گیری از تصاویر برگرفته از واقعیات براساس الگوهای ایستا و پویا از پدیده‌ها؛</p> <p>- شناخت رویدادهای گذشته و تحلیل علت وقوع آنها و تبیین چشم‌اندازی برای احتمال بروز مجدد آنها در آینده؛</p> <p>- کسب نظر خبرگان و کارشناسان درباره موضوعها و مسائل مورد نظر بر پایه بحث و جدل منطقی؛</p> <p>- ترسیم افق و مسیرهای اتفاق نظر درباره موضوعی برای آینده جهت ایجاد وحدت فکری و رویه‌ای؛</p> <p>- دنبال کردن بخش‌های تکمیلی امور گذشته و حال در آینده؛</p> <p>- شناخت و تحلیل متون و اسناد بالادستی اعتقادی مستخرج از آیات قرآن مجید و احادیث و تبیین پیامدها و رفتارهای احتمالی براساس تبعیت از آن اعتقادات؛</p> <p>- بررسی نیاز افراد و جوامع از منظر دیدگاه‌های صاحب‌نظران و اسناد بالادستی اعتقادات ناب.</p>	<p>الگوسازی</p> <p>شبیه‌سازی</p> <p>تحلیل تاریخی</p> <p>تعاطی افکار</p> <p>چشم‌اندازپردازی</p> <p>مطالعات ترازیبی</p> <p>مطالعه اسناد بالادستی</p> <p>نیاز شناختی</p>
--	---

[۴ و ۳ و ۱۱]

رویکردها و پیش‌فرض‌های آینده پژوهی

قبل از پرداختن به رویکردها باید از پیش‌فرض‌های پنج‌گانه آگاهی آینده پژوهی برای وقوع فرایندها و حالات شناخت پیدا کرد. این پیش‌فرض‌ها عبارتند از آگاهی از خواسته‌ها؛ آگاهی از دانسته‌ها و زمینه‌های مرتبط با آن؛ آگاهی از باورها؛ آگاهی از وضعیت فعلی؛ و آگاهی از هدفها و انتظارات [۵].

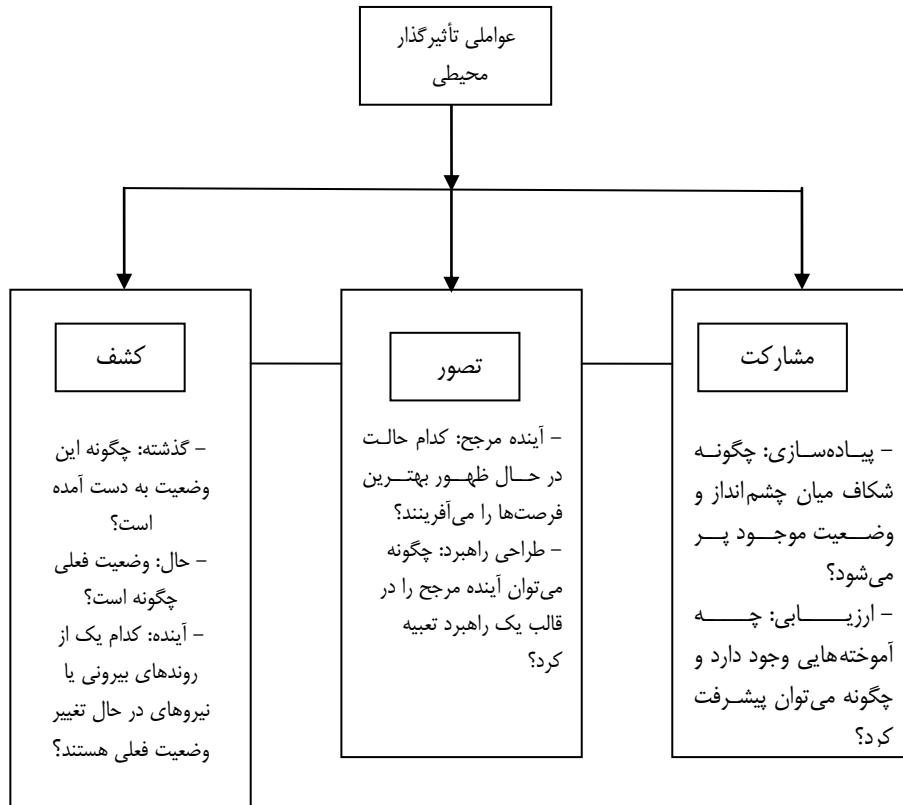
رویکردها. اشخاص در زمان حال باید از وقایعی که ممکن است در آینده برای خود، خانواده، سازمان، جامعه و کشورشان رخ می‌دهد آگاه شوند و نیز بدانند که کدام یک از پیشامدها، احتمال وقوع بیشتری دارد و در میان آنها کدام یک، مطلوبیت بیشتری به بار می‌آورد. بر همین اساس، شش رویکرد در مطالعات آینده مطرح است: آینده پژوهی اکتشافی و جستجوگر؛ آینده پژوهی تحلیلی و استدلالی؛ آینده پژوهی تصویرپرداز و تصورگرا؛ آینده پژوهی هنجاری و ارزش محور، آینده پژوهی مشارکتی و اداره‌گرا؛ و آینده پژوهی عصرشناسی و هدایت‌یاب [۱۱ و ۱۴]. برای بهره‌گیری از این شش رویکرد، لازم است الگوی آینده‌گرایی را با سه گام کشف، تصور و مشارکت را با خصیصه‌های مختص به خود طی کرد. این سه گام فرایندهای متوالی دارد و هر گام جدید پس از گام پیشین برداشته می‌شود فلذا هر مرحله بر نتایج مرحله قبلی استوار است. آینده‌نگری با مرحله «کشف» آغاز می‌شود که گذشته فرد و سازمان را در نظر می‌گیرد، سپس به وضعیت کنونی آن می‌پردازد و بعد آینده‌های ممکن آن در نظر گرفته می‌شود. گام دوم یعنی

«تصور»، در واقع، استفاده از اطلاعات تولید شده در مرحله کشف برای طراحی آینده مرجح و نیز ایجاد راهبردی برای پشتیبانی از آن است. در گام بعدی که مشارکت است «طرح‌های اقدام» تدوین می‌شود تا راهبرد آینده تحقق یابد. در شکل ۳، این سه گام و سازوکار مرتبط با آنها ارائه شده است [۱۶].

گام اول الگوی شکل ۳، مشتمل بر سه کشف گذشته، حال و آینده است. کشف گذشته نشانگر آسان شدن نگاه به آینده است زمانی که به گذشته هم نگاه شود، اشخاص معمولاً بهتر می‌توانند در برنامه‌ریزی آینده‌گرا، کارآمدتر و اجرایی‌پذیر باشند به اندازه دوره‌های زمانی که به آینده نگاه می‌کنند، دوره‌های زمانی گذشته را هم در نظر گیرند تا بر پایه تحلیل‌های آن، آینده‌سازی کنند. کشف حال، یعنی ارزیابی شرایط جاری تا با ترسیم یک خط مینا، سنجش راهبردهای تغییر آینده مشخص شود. در حالی که ضروری است در کشف آینده با پیاده‌سازی فعالیت‌های آینده‌نگر، از آینده به حال نگاه شود تا به بررسی روندها و نیروهایی پرداخت که وضعیت آینده فرد و سازمان را در حال حاضر و احتمالاً در آینده تغییر خواهند داد.

گام دوم این الگو مشتمل بر تصور است و در بردارنده آینده مرجح و طراحی راهبرد می‌باشد. هنگامی که پدیده‌های درحال پیدایش شناسایی و ارزیابی شدند و اشخاص به دیدگاه تازه‌ای مجهز شدند، چشم‌اندازی از آینده مرجح را برای زندگی فردی، سازمانی و اجتماعی می‌آفرینند و یا در چشم‌انداز پیشین تجدیدنظر می‌کنند. در این مرحله باید براساس طراحی راهبرد، چشم‌اندازها را به طرحی راهبردی تبدیل کرد.

گام سوم الگو مشتمل بر مشارکت در پیاده‌سازی و ارزیابی است. در این پیاده‌سازی باید به ارزیابی شکاف‌های موجود میان وضع کنونی با وضعیت مرجح آینده تصویری پرداخت سپس به تدوین طرح یا طرحهایی برای حذف این شکافها پرداخت در حالی که هنگام ارزیابی در گام سوم، آینده‌نگری از آغاز تا پایان یک فرایند یادگیری تلقی می‌شود که باید درس‌های آموخته شده را شناسایی کرد و آنها را برای دور بعدی برنامه‌ریزی راهبردی به کار برد.



شکل ۳. الگوی آینده گرایی

آموزه های کلیدی آینده پژوهی

برای گام برداشتن در طرح آینده پژوهی لازم است هفت باور اولیه را در نظر گرفت و نسبت به رعایت آنها متعهد بود [۱۱ و ۵].

- (۱) واقع بین بودن نسبت به آینده؛
- (۲) در نظر گرفتن آینده های گوناگون به جای یک آینده منحصر به فرد؛
- (۳) در نظر گرفتن شرایط عدم حتمیت برای آینده و پرهیز از محتوم پنداشتن آینده؛
- (۴) آماده برای وقوع رویدادهای غیرمنتظره و شگفتی سازها بودن؛
- (۵) اندیشیدن به آینده نزدیک و نیز در اندیشه آینده دور بودن؛
- (۶) در نظر گرفتن رویاپردازی اثربخش برای آینده؛
- (۷) درس گرفتن از وقایع گذشته و پیشینیان و آموزنده بودن برای آیندگان.

ذهن‌های چندگانه

اگر چه فطرت انسانها، بذر تلقی می‌شود که جریان‌های آتی زندگی آن بذرها را آبیاری و رشد می‌دهند و نمادی برای جلوه استعدادها تلقی می‌شود لیکن هوش هم با چهار ویژگی زیر، به دوازده نوع تفکیک می‌شود.

ویژگی‌ها: قابلیت سنجش میزان زیرکی، عقل، فهم و تحلیل انسان؛ جلوه استعدادهای انسان؛ نمایش دهنده میزان عقل؛ و نشان دادن سطح حساسیت همراه با دقت نظر نسبت به موضوع یا مسئله‌ای خاص [۵].

انواع هوش: هوش‌های دوازده‌گانه بشرح جدول ۲، می‌باشند.

جدول ۲. انواع هوش با قابلیت و استعدادهای مربوط

هوش	قابلیت و استعداد
- حرفه‌ای	توانایی شناخت رموز کار مورد علاقه و جدیت در تحقق اهداف کار مذکور؛
- فاصله‌ای و فضایی (بصری و جسمانی)	تکیه بر حس بینایی و توانایی دیدن و اهمیت دادن به جلوه پدیده‌ها و اشیاء؛
- جسمانی و فیزیکی	قابلیت عملیاتی کردن حرکات فیزیکی و مسایل معقول بدن، بالا بودن توانایی تقلید کردن؛
- ادراکی و شهودی (درون روانی)	توانمندی هوشیار بودن و شناخت روابط درونی پدیده‌ها و وقایع و درک احساسات خود نسبت به نوع ارتباط با دیگران؛
- مهارت‌های اجتماعی و بین فردی	توانایی برقراری ارتباط بین فردی و مناسبات اجتماعی، علاقه‌مند بودن به فهم افراد و رفتار آنان؛
- موسیقی	قوة تشخیص دهنده الگوی آهنگ‌ها، صداها، ضربه‌ها و ریتم‌ها؛
- کلامی و زبان‌شناختی	توانایی سروکار داشتن با لغات و زبان نوشتاری و گفتاری، توانمندی مطرح کردن دلایل و اثبات نظرات و تحلیل‌های خود؛
- عقلانی و ریاضی	توانایی استنباط و اخذ نتیجه از وقایع و علاقه‌مند بودن به ارزیابی مراحل زندگانی خود و دیگران در گذشته، حال و آینده؛
- موفقیت	توانایی همزیستی با محیط، شکل‌دهی و انتخاب محیط مورد نظر و رغبت نشان دادن به اتمام مطلوب و رضایت بخش کارها؛
- هیجانی	قوة تشخیص دهنده پیام‌های برخاسته از احساسات و هیجانها؛
- عاطفی	توانایی هوشیار بودن براساس پیام‌ها و الهامات درونی و قدرت شناخت پیدا کردن بر آن اساس؛
- ایمانی و اعتقادی	نیل به دیدن وقایع بر پایه سطح اعتقادات و تصویرپردازی واقعیات بر آن اساس.

[۵]

هوش با داشتن کمیت و کیفیت‌های متنوع، قابل اندازه‌گیری است. نظریه هوش‌های چندگانه نقشی بسیار فراتر از محیط‌های دانشگاهی برای افراد ایفا می‌کند. هوش صاحب حرف و صنایع را نیز در برمی‌گیرد. لذا تمامی افراد می‌توانند شخصی مولد، خلاق و نوآور باشند. حال، بر همین

اساس ذهن اشخاص نیز انضباطی پیدا می‌کند که آینده‌گرایی را برای خود به ارمغان می‌آورد. از این بابت، زمان به کسانی تعلق می‌یابد که می‌توانند به شیوه‌های اندیشیدن وبه ویژه اندیشیدن‌های خاص راه یابند، افراد ناتوان در پرورش توانایی‌های شناختی خود، با آینده‌ای تاریک روبرو بوده و نمی‌توانند برای مسیرهای حرکتی خود روشنایی متصور شوند تا سرنوشتشان در دست نیروهای نورمحور نه تاریک‌گرا قرار گیرد؛ به هر حال، درک مسایل شناختی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای راهبری آینده است، در غیر این صورت، افراد زیر بار اطلاعات فرسوده می‌شوند و نمی‌توانند در محیط کار موفق شوند و تصمیم‌های عاقلانه‌ای در امور شخصی و حرفه‌ای خود اتخاذ کنند.

خصیصه‌های ذهن‌های آینده‌گرا

ذهن‌های آینده‌گرا ساختاری با خصیصه‌های زیر دارند

- (۱) منضبط. این ذهن مسئولیت یادگیری موضوع‌های مبتنی بر تجربه، درس‌های زندگی و علمی مانند تاریخ، دانش و هنر و مهم‌تر از آن تسلط بر یک حرفه یا پیشه را دارد؛
- (۲) ترکیب‌کننده. این خصیصه می‌تواند از قطعات پراکنده داده‌ها، معنا، هدف، طبقه‌بندی و پیام استخراج کند؛
- (۳) خلاق. این ویژگی می‌تواند پرسش‌های تازه طرح کند و پاسخ‌های خلاقانه برای آنها بیابد؛
- (۴) احترام‌آمیز. این ذهن توانایی درک ارزش‌ها و شخصیت‌ها را دارد؛
- (۵) اخلاق‌گرا. مطابق این خصیصه انسان می‌تواند در راستای کسب عزت، رفتاری مسئولیت‌پذیر داشته باشد؛
- (۶) بصیر. این ذهن توانایی شناخت جهت و راه آینده را دارد و نیز از توانمندی تجسم آینده برخوردار است به طوری که مهارت زودتر و جلوتر دیدن وقایع را هم دارد.
- (۷) عقل‌گرا. این ذهن توانایی تشخیص خوب و بد، دریافت و عمل به اوصاف نیک، توانایی تصدیق نیکی، شناسایی محیط‌ها، مسیرها، ابزارها، روش‌ها و پیامدها، خیرخواهی، توانایی اداره کردن، قدرت تحلیل کردن، توانایی تنظیم گفتارها، رفتارها و عملکردها را دارد؛
- (۸) ارزیاب. مطابق این خصیصه ذهن توانایی سنجش وضعیت گذشته، حال و پیش روی خود را دارد؛
- (۹) بازو چند سونگر. این ذهن استعداد برقراری ارتباط با دیگران و محیط‌های متنوع را دارد و در این تعامل ابعاد مختلف را در نظر می‌گیرد؛
- (۱۰) مطالعه‌گر. این خصیصه حوصله و نشاط خواندن و قضاوت پس از ارزیابی خواننده شده‌ها را برای شخص ایجاد می‌کند؛

(۱۱) تسهیل‌گر. این ذهن هموارکننده امور و برطرف کننده موانع برای دستیابی به هدف است؛
 (۱۲) روشن‌بین. این ویژگی برون‌سنج و درون‌یاب و تطبیق‌دهنده ظاهر با باطن هر پدیده است تا نور پدیده را برای هدایت آن بیابد؛

عصر حاضر با موتورهای جستجوی الکترونیکی و فناوری‌های پیشرفته نیازمند توانایی‌های متنوع است که تا به حال اختیاری بوده است، لیکن از این پس ضرورت زندگی شناخته می‌شود لذا جنبه اجباری پیدا می‌کند. باید برای همگامی با این عصر، توانایی‌های خود را پرورش داد. دیگر نمی‌توان با ذهنی یک یا دو سونگر و نیز ذهنیت نیم‌باز، به سراغ آینده رفت. برای آینده باید ذهن‌های چند سونگر با استعدادهای متنوع و هوش‌های چندگانه داشت.

نتیجه‌گیری

انسان همواره از مسیر زمان گذشته و حال در راه آینده قرار می‌گیرد و حرکت می‌کند، صرفنظر از موقعیتی که انسان، سازمان، و جامعه در آن قرار دارد باید بتواند برای اقدام‌های آتی خود برنامه‌ریزی کند. برای این کار، آنها ابتدا باید موقعیت کنونی خود را بشناسند و برخی از نتایج اقدام‌های آتی خود و محیط را پیش‌بینی، استعاره‌پردازی و ترسیم کنند. در حالی که شناخت تمام وقایع آتی امکان‌پذیر نیست، از اینرو امکان تبیین شبکه‌هایی از پارامترهای معلوم و شناخته شده، نامعلوم و ناشناخته برای آینده امکان‌پذیر می‌شود. این شبکه‌ها را می‌توان در سه حوزه تحولات بسته، محتوایی و باز تنظیم کرد. شبکه‌سازی به عناصری نیاز دارد که در جدول ۳ ارائه شده است، البته این عناصر نیز رفتارهایی دارند که در همان عناصر قابل تبیین هستند. البته آینده را هم می‌توان به آینده نزدیک و آینده دور تقسیم‌بندی کرد. خصیصه‌های این دو آینده در جدول ۴، ارائه شده و در نهایت راهکار دستیابی به آینده مورد انتظار در الگوی شکل ۴، تبیین و ترسیم شده است.

راهکار پیشنهادی مقاله برای پیوستگی عناصر و یافته‌های تحلیل مباحث مطرح شده را می‌توان برای آینده مورد انتظار در شکل ۴، مشاهده کرد. الگوی این شکل جریانی از فرایندهای مرتبط با تعاملات سه جانبه عناصر سه نظریه فهم و درک، زمان و آینده پژوهی است. این راهکار، در واقع روش شناسی دستیابی به آینده مرجح نیز شناخته می‌شود و آن را می‌توان به اختصار بر پایه سه حرف اول: فهم، زمان و آینده، «فزا» نامید.

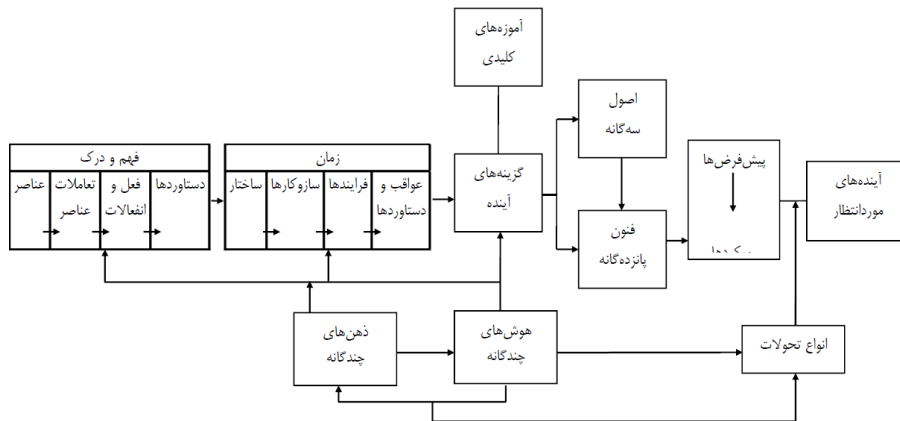
جدول ۳. شبکه تحولات و عناصر و ویژگی‌های مربوط

تحولات	عناصر و ویژگی‌ها
بسته با ساختار بازخوردی درجه ۱ و ۲	- طراحی و اجرای تحولات آتی در چارچوب رویدادهای گذشته؛
	- شناسایی توالی رویدادها با بررسی عملکرد خود در سال‌های گذشته و زمان حال؛
محتوایی با ساختار بازخوردی درجه سه	- بررسی اتفاق‌نظرها برای اجرای فعالیت‌ها و تحقق اقدامات؛
	- تحلیل رویدادها در تعامل با محیط؛
باز با ساختار بازخوردی درجه بالاتر از سه	- بررسی اتفاق‌نظرها برای شناسایی علل و زمان وقوع رویدادها، نتایج و تبعات آنها؛
	- تلاش در جهت شفاف کردن بعضی جریانها و توالی رویدادهای گذشته و حال؛
باز با ساختار بازخوردی درجه بالاتر از سه	- تعیین احتمالی علل، نوع و تبعات تحولات؛
	- تحول محتوایی و جوهری رویدادهای آتی بر اثر تحولات فعلی، گذشته و شبیه‌یابی کم آنها از یکدیگر؛
باز با ساختار بازخوردی درجه بالاتر از سه	- توجه به ساختار و سازوکارهای درونی وقایع و رویدادها.
	- شفاف نبودن وسعت تأثیرگذاری وقایع گذشته و حال بر رویدادهای آتی؛
باز با ساختار بازخوردی درجه بالاتر از سه	- مشخص و روشن نبودن دقیق علل بروز، عوامل ایجاد و تبعات تحول؛
	- بررسی رویدادها در محیط و تأثیرات پویای محیطی بر نحوه شکل‌گیری وقایع و وقوع رویدادها؛
	- برخوردار شدن از چشم‌اندازهای متنوع در وقوع احتمالی رویدادهای آتی.

جدول ۴. آینده‌های نزدیک و دور و خصیصه‌های مرتبط

آینده	خصیصه‌ها
نزدیک	- بروز تحقق پیامدها با علل مشخص؛
	- نمایان و روشن شدن فرصت‌های پیش روی و مسائل مرتبط با آنها و نیز مسائل مرتبط با فرصت‌های گذشته؛
طیف گذر از آینده نزدیک به دور	- شفاف بودن شرایط و اقتضات؛
	- شناخت تبعات اقدامات تا سطح معین همراه با دقت لازم؛
دور	- نمایان شدن سازوکارها و نحوه کارکردها؛
	- وجود عرصه‌های تصمیم‌گیری مشابه گذشته و حال؛
	- عینیت یافتن آثار بحث‌های تحلیلی - عقلانی، مباحثه و چانه‌زنی امور در سلسله مراتب مختص به خود.

- متنوع و متفاوت بودن انتظارهای دور از انتظارهای نزدیک؛
- نمایان شدن رویدادهایی از تبعات ناآشکار در بلندمدت؛
- دشوار بودن یافتن پاسخ به سؤالات مربوط به وقایع آتی و تنوع احتمالی شکل‌گیری گزینه‌های آینده؛
- احتمالی و متنوع بودن گزینه‌های بروز مسائل و فرصت‌ها، تهدیدها و اعجازها؛
- معلوم بودن جریان‌های کلی وقایع و در عین حال غیرقابل پیش‌بینی بودن آنها؛
- شناخت پیامدها و وقایع از درون تحلیل و تبیین وقایع، نحوه حرکت و طراحی اقدامات.



شکل ۴. الگوی «فزا» در دستیابی به آینده‌های مورد انتظار

منابع

۱. آچاک، صالح و رحمان مهدیانی (۱۳۸۵). "نقشه راه تکنولوژی روشی برای آینده پژوهی". تهران: مجموعه مقالات همایش آینده پژوهی، فناوری و چشم انداز توسعه.
۲. بلومفلد، یوریگ (۱۳۸۵). *انسان و آینده اش*. ترجمه غلام رضا خواجه پور. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
۳. حمیدی زاده، محمدرضا (۱۳۹۰). *اقتصاد مدیریت: نظریه ها، مدل ها و فنون*. تهران: انتشارات حامی.
۴. حمیدی زاده، محمدرضا (۱۳۸۹). *مدیریت دانش و دانایی*. قم: انتشارات یاقوت.
۵. حمیدی زاده، محمدرضا (۱۳۸۶). *تصمیم گیری هوشمند و خلاق: هوش هیجانی*. تهران: نشر ترمه: ۱۲۴-۱۵۷.
۶. حمیدی زاده، محمدرضا (۱۳۷۹). *پویایی های سیستم*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۷. دراگر، پیتر اف (۱۳۷۳). *مدیریت آینده*. ترجمه عبدالرضا رضایی نژاد. تهران: نشر موسسه خدماتی رسا.
۸. دیویس، استان (۱۳۸۲). *درس هایی از آینده*. ترجمه غلام حسین خانقانی. تهران: فراه ناشر مدیریت فردا.
۹. محمودزاده، ابراهیم (۱۳۸۰). *مدیریت بر آینده با تکنولوژی فردا*. تهران: انستیتو ایزایران.
۱۰. ری شهری، محمدی (۱۳۸۸). *منتخب میزان الحکمه*. تلخیص و ترجمه سید حمید حسینی و حمید رضا شیخی. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث: ۳۴۵-۳۸۸.
۱۱. ملکی فر، عقیل و همکاران (۱۳۸۵). *القبای آینده پژوهی*. تهران: اندیشکده صنعت و فناوری (آصف) ۹۰-۹۱.
12. Eisner, Howard (2005). *Managing complex systems: thinking outside the box*. New Jersey: John Wiley & Sons, Inc.
13. Kerka, Sandra (2008). *Shared Vision for youth*. Ohio: Learning Work Connection.
14. Hejazi, Alireza (2010). *Futures discovery*. Tehran: Futures Discovery Publications.
15. Slaughter, R. A. (2003). *Futures concepts*. A Briefing paper for the Christian futures new work. Colorado Springs, Co.
16. Treseky, B. (2005). *Cognitive maps, cognitive colleges and spatial mental models*. Stand ford University.